

# علم أصول الفقه

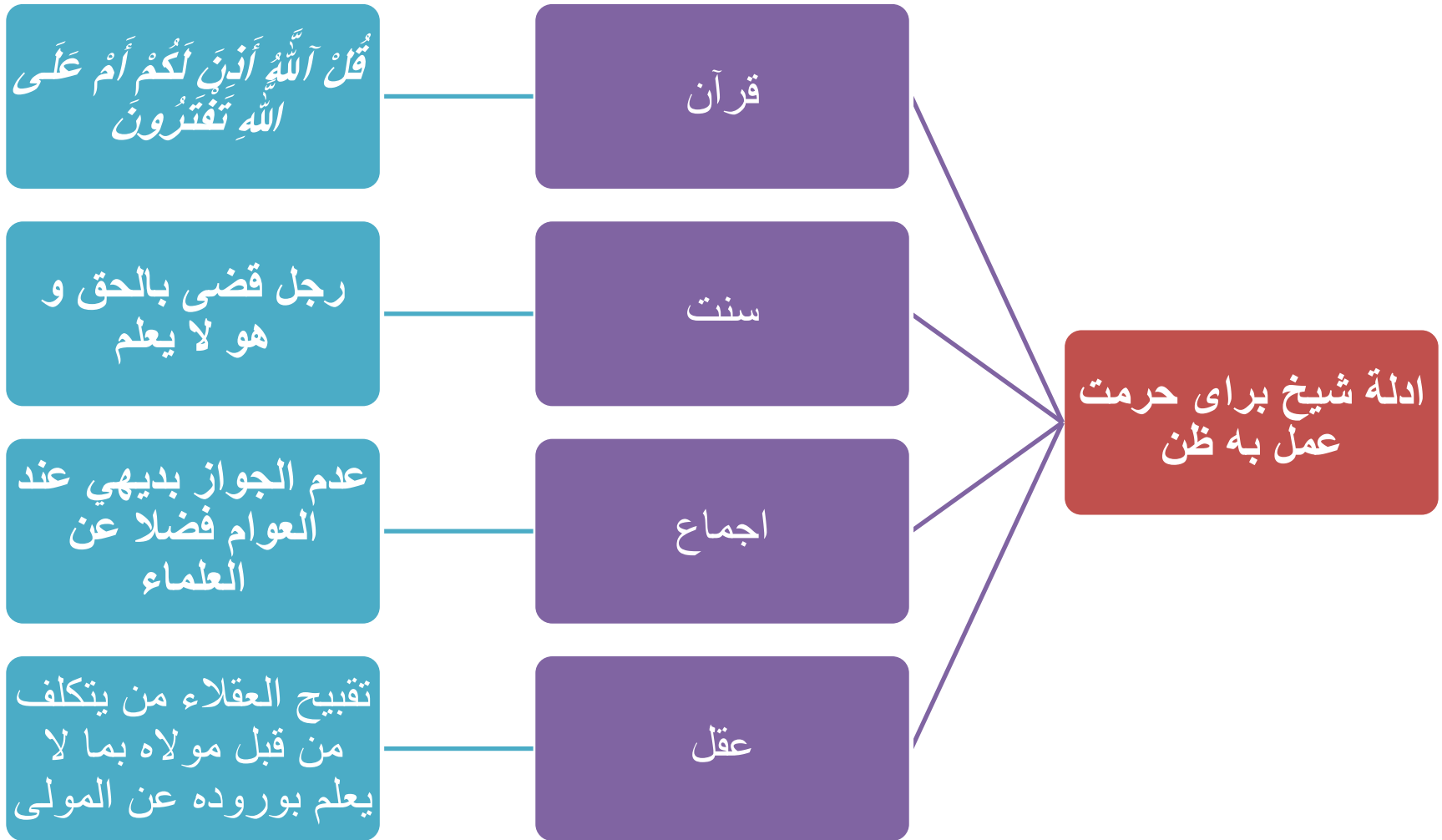
١٨ ٩٢-٩-٢ حجية الظن في نفسه

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## حجية الظن في نفسه

- سؤال این است که **ظن** یعنی حالتی که در آن احتمال خلاف (عدم مطابقت) کمتر از احتمال وفاق (مطابقت) است، **فی حد نفسه** یعنی با قطع نظر از منشأ پیدایش آن **چه حکمی دارد؟**

## حجية الظن في نفسه



## حجیة الظن فی نفسه

تمسک به ظهور آیه و روایت قبل از اثبات حجیت ظهور

تمسک به روایت ضعیف

تمسک به اجماع منقول

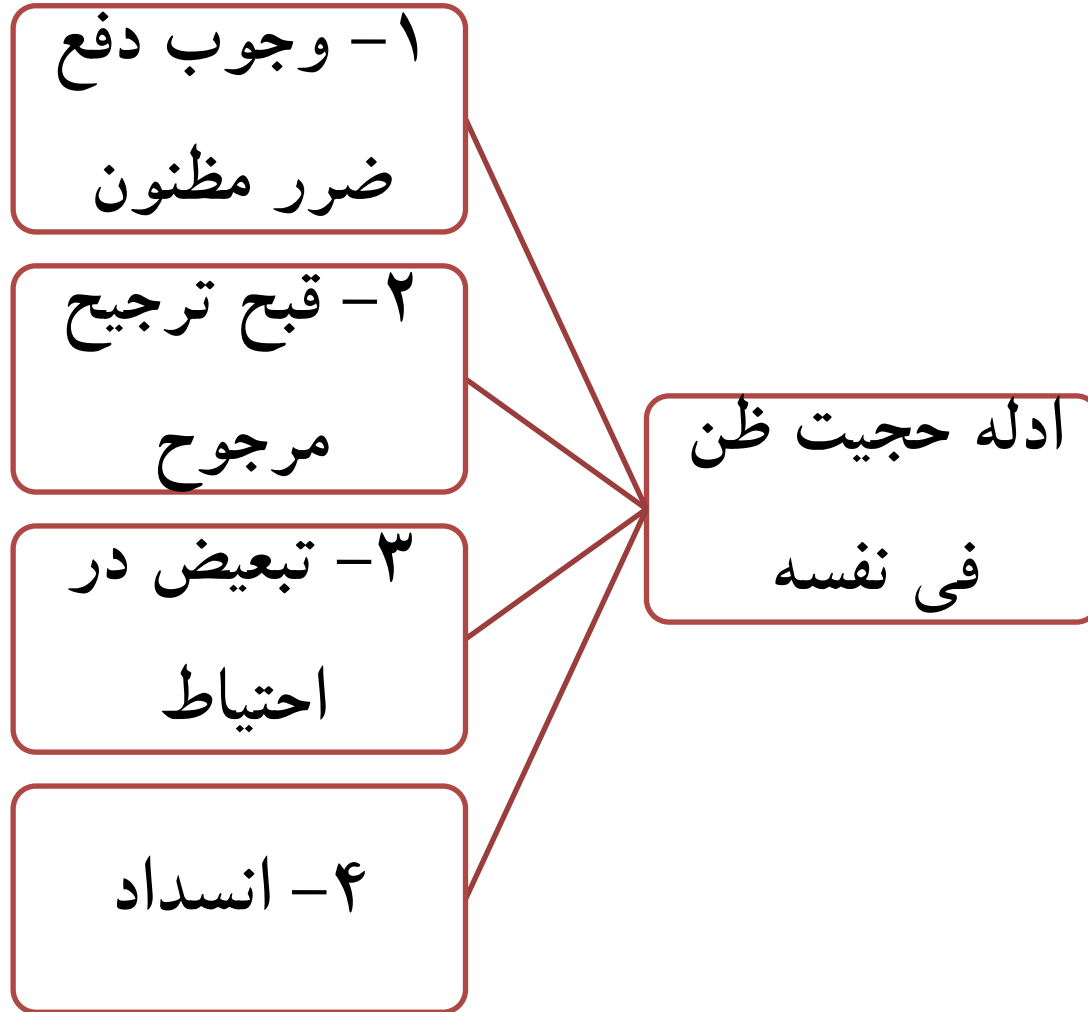
مصادره به مطلوب در تمسک به ظهور آیه و روایت

قیاس افتا به قضاوت

خلط بین حکم عقل و عقلا

اشکالات  
ادله شیخ  
انصاری

## حجية الظن في نفسه



## دليل انسداد

- الرابع دليل الانسداد
- و هو مؤلف من مقدمات
- يستقل العقل مع تحققها بكفاية الإطاعة الظنية **حكومة** أو **كشفا** على ما تعرف و لا يكاد يستقل بها بدونها و هي خمس:
- أولها أنه يعلم إجمالاً بثبوت تكاليف كثيرة فعلية في الشريعة.
- ثانيها أنه قد انسد علينا باب العلم و العلمى إلى كثير منها.

## دليل انسداد

- ثالثها أنه لا يجوز لنا إهمالها و عدم التعرض لامثالها أصلا.
- رابعها أنه لا يجب علينا الاحتياط في أطراف علمنا بل لا يجوز في الجملة كما لا يجوز الرجوع إلى الأصل في المسألة من استصحاب و تخيير و براءة و احتياط و لا إلى فتوى العالم بحكمها.
- خامسها أنه كان ترجيح المرجوح على الراجح قبيحا فيستقل العقل حينئذ بلزوم الإطاعة الظنية لتلك التكاليف المعلومة و إلا لزم بعد انسداد باب العلم و العلمى بها إما إهمالها و إما لزوم الاحتياط في أطرافها و إما الرجوع إلى الأصل الجارى في كل مسألة مع قطع النظر عن العلم بها أو التقليد فيها أو الاكتفاء بالإطاعة الشككية أو الوهمية مع التمكن من الظنية.

## علم اجمالی کبیر

- علم اجمالی کبیر
- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - برای پیدایش آن علم اجمالی که در ابتدای مقدمات دلیل انسداد گفته شد، دو بیان را مطرح می‌کند\*:

- \* بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۴۳۱.



## علم اجمالی کبیر

- الف - طریق لم
- دین آمده است تا انسان را به سوی راهنمایی کند که تضمین کننده سعادت او است. دین برای این راهنمایی الزاماتی (بایدها و نبایدها) دارد. در واقع وجود الزامات را از طریق بررسی مفهوم و مقتضای دین به دست می آوریم. به تعبیر شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - این طریق «برهان لمی» است؛ زیرا از علت پیدایش و نزول دین به وجود الزاماتی در دین پی می بریم.

## علم اجمالی کبیر

## • ب - طریق ان

- فرض کنیم مجموع آیات و روایات به لحاظ سند و دلالت (ظواهر) حجت نباشند. این عدم حجیت بدان معنا نیست که واقعاً ظواهر آن‌ها اراده نشده اند، بلکه ممکن است معصوم - علیه السلام - چنین مطلبی را فرموده باشد و آنچه را که راویان نقل کردند، نیز مطابق با واقع باشد. همچنین بدان معنا نیست که واقعاً خبر واحد حجت نشده است، بلکه ما نمی‌توانیم به عنوان یک دلیل شرعی به آن تمسک کنیم. بنابراین عدم حجیت به معنای عدم مطابقت با واقع یا اراده نشدن نیست.

## علم اجمالی کبیر

- با توجه به این نکته وقتی با قطع نظر از حجیت، حجم وسیع آیات و روایات را ملاحظه کنیم، یقین پیدا می‌کنیم که بخشی از این الزامات وارد در کتاب و سنت به طور حتم از این ظواهر اراده شده‌است و مطابق با واقع است؛ هرچند ممکن است در مواردی هم خلاف ظاهر اراده شده باشد. به هر حال نمی‌توان همه موارد را غیر مطابق با واقع دانست. این طریق در حقیقت برهان *إن* است.

## علم اجمالی کبیر

- ما باید در اینجا این نکته را توضیح دهیم که نمی توان تعداد این الزامات را به یک رقم تبدیل کرد. اگر به رقم مثال بزنیم، ممکن است تعداد معلوم بالاجمال که از طریق لم به دست می آوریم با تعداد به دست آمده از طریق ان فرق کند؛ چون ممکن است الزامات در یک دین خیلی زیاد و دین دیگر خیلی کم باشد؛

## علم اجمالی کبیر

- برای مثال آیین مسیحیت فاقد تراثی است که به لحاظ اتصال سندی ارزش داشته باشد. اگر عهد عتیق را که مربوط به قبل از مسیحیت است کنار بگذاریم، در عهد جدید چهار انجیل و مجموعه‌ای از نامه‌ها وجود دارد. غیر از این انجیل‌های رسمی تعدادی انجیل‌های غیر رسمی هم وجود دارد که کلیسا آن‌ها را به رسمیت نشناخته است.

## علم اجمالی کبیر

- اگر ہمتہ اینہا را ضمیمہ کنید، تقریباً ہزار و پانصد صفحہ می شود؛ در حالی کہ اگر فقط تراث روایی شیعہ را جمع کنید، خیلی بیش از این مقدار است و تنہا بحار الأنوار، کہ فاقد روایات فقہی است، صد جلد است و روایات فقہی شیعہ سی جلد است. اگر روایات اہل سنت را ہم اضافہ کنید، مجموع آنہا در حدود سیصد جلد خواهد شد و اگر مثلاً ہر جلد دارای پانصد صفحہ باشد، حدود صد و پنچاہ ہزار صفحہ روایت خواهیم داشت. بنابراین تراث دینی ما بہ لحاظ حجم خیلی وسیع تر از تراث مسیحی است. علاوہ بر اینکہ دین اسلام خصوصیتی دارد کہ مسیحیت ندارد و آن خاتمیت است.

## علم اجمالی کبیر

- بنابراین ممکن است در ابتداء گفته شود یک دین برای هدایت‌گری انسان به هزار الزام نیاز دارد؛ اما وقتی به تراشش مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم مثلاً بیست هزار الزام دارد که حتی اگر یک‌دهم این‌ها مطابق با واقع باشد، خیلی بیشتر از هزار تا خواهد بود.

## انسداد باب علم و علمی

- مقدمة دوم
- آنچه در مقدمات دلیل انسداد محل بحث جدی است و مخالفان دلیل انسداد با تکیه بر آن با این دلیل مخالفت می‌کنند، همین مقدمه است. در این مقدمه گفته می‌شود از آن هزار تکلیفی که بنابر مقدمه اول نسبت به آن‌ها علم اجمالی داریم، مقداری را به صورت مشخص می‌دانم. فرض کنید پنجاه مورد. تعدادی را هم از باب علمی (ظن خاص مستند به بقین) برای روشن است. برای مثال سیصد و پنجاه حکم هم از این باب برای من محرز است. بنابراین از هزار مورد معلوم بالاجمال، چهارصد حکم محرز است. اما همچنان ششصد حکم دیگر هست که به وجودشان در شریعت یقین دارم و باب علم و علمی در آن‌ها منسد است.



## انسداد باب علم و علمی

- بنابراین معنای انسداد باب علم و علمی این نیست که اصلاً در شریعت نسبت به هیچ حکمی علم نداریم یا اصلاً برای هیچ حکمی علمی (ظن خاص) نداریم، بلکه می‌گویند مقدار علم و علمی ما از مقدار معلوم بالاجمال کمتر است. کسی که انسداد را قبول ندارد، او است که باید ثابت کند که مقدار معلوم بالاجمال مساوی یا کمتر از مقدار علم و علمی است و اگر مقدار معلوم بالاجمال ما از مقدار علم یا علمی بیشتر بود، دلیل انسداد ثابت می‌شود. پس مادامی که اثبات نکردیم مقدار معلوم بالتفصیل (علم و علمی) مساوی و یا بیشتر از معلوم بالاجمال است، علم اجمالی به حال خودش باقی می‌ماند.

## انسداد باب علم و علمی

- منکرین دلیل انسداد می گویند مقدار علم در مقایسه با معلوم بالاجمال اندک است؛ لیکن وقتی که حجیت ظاهر و خبر ثقه را ثابت کردیم، ظواهر قرآن و اخبار ثقه بر ما حجت می شود و بخش باقی مانده از آن معلوم بالاجمال، با همین ظواهر به معلوم بالتفصیل تبدیل می شود. به عبارت دیگر اگر کسی که در اصول این دو تا مطلب را بپذیرد، حتی اگر سایر حجج را نپذیرد، می تواند دلیل انسداد را انکار کند.

## انسداد باب علم و علمی

- به تعبیر دیگر اگر به وجود هزار الزام در شریعت یقین دارم، مجموع آنچه را که به آن علم دارم و آنچه را که از ظواهر قرآن و روایات احراز می‌کنم، خیلی بیش از هزار مورد است. بنابراین آن علم اجمالی به اصطلاح فنی به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی منحل می‌شود. در حقیقت در سایر موارد مشتبه که حکم آن‌ها را به تفصیل (از باب علم و علمی) در نیافته‌ام، دیگر علمی ندارم که هنوز الزام دیگری وجود دارد نه اجمالی و نه تفصیلی. چه بسا شاید تمام الزامات شریعت همین‌ها باشد که به دست آورده‌ام و شاید هم در بین سایر موارد مشتبه هنوز الزام دیگری باشد؛ اما این فقط شاید است، علم نیست.
- . اکثر اصولی‌ها دلیل انسداد را نمی‌پذیرند.

## انسداد باب علم و علمی

- در روایات هم بحث سندی وجود دارد و هم بحث دلالتی بنابراین هم به حجیت خبر ثقه احتیاج داریم هم به حجیت ظاهر؛ اما در مورد آیات بحث سندی نداریم و فقط بحث دلالتی وجود دارد. به همین سبب فقط به حجیت ظاهر نیازمندیم.
- در بحث دلیل انسداد علم اجمالی در دایرة کل شریعت مطرح است که از آن به علم اجمالی کبیر یاد می‌شود. ممکن است کسی ادعا کند که در دایره‌های خاص هم علم اجمالی داریم که به آن علم اجمالی صغیر، می‌گویند. آن‌گاه همین بحث انسداد بعینه در همان جا تکرار می‌شود. اگر پذیرفتیم اسلام دین خاتم است، باید در هر حوزه‌ای از حیات زندگی فردی و اجتماعی ما باید مجموعه‌ای از الزامات را به همراه داشته باشد. پس برای مثال در حوزه اقتصادی باید دویست الزام داشته باشد تا من راهنمایی شوم. حال اگر مجموع علم و علمی در این حوزه کمتر از میزان معلوم بالاجمال باشد، دلیل انسداد فقط در این دایرة خاص مطرح می‌شود نه در کل شریعت و اگر دلیل انسداد را تمام بدانیم، باید بپذیریم که در این دایره مطلق ظن حجت است؛ هرچند در سایر موارد به سبب عدم تمامیت مقدمات حجت نباشد.